



Investigating the role of families of origin in the stability or instability of couples' relationships: a qualitative study

Haniyeh Taghizadeh¹ | Mohammadhossein Salarifar² | Javad Khodadadi Sangdeh³

DOR: 20.1001.1.26454955.1403.19.69.4.9

Abstract

The present study aims to clarify the role of families of origin in the stability or instability of couples' relationships. This research is qualitative and based on Grounded Theory. The statistical population included couples living in the northwestern region of Tehran in 2019. The sampling method was used with purpose and reached theoretical saturation with twelve couples. The data was collected, coded, and analyzed by conducting semi-structured in-depth interviews. The comparison of extracted concepts in open coding led to the discovery of 134 components for axial coding and 27 main categories for selective coding. The paradigm model's core concept of respecting and violating privacy and boundaries is found to be based on the analysis of collected data. Causal conditions involve being sensitive to the degree of private issues' expression, complying with boundaries, and being independent of family, and intervening conditions include differences, interference, lack of support and disrespect. According to the findings, it can be said that respecting privacy, paying attention to boundaries, and using strategies such as compatibility, non-interference, evaluation, and problem-solving by the families of origin, will bring stability to couples' relationships. The families of origin failing to pay attention to the above matters will result in instability in the couple's relationship.

Keywords: Families of origin, stable relationships, unstable relationships, young couples.

1. Masters student in Family Counseling, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.
2. Corresponding author: Assistant professor of Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran
elahekp2@gmail.com
3. Assistant professor of counseling, Allameh Tabatabai'e University.

Cite this Paper: Taghizadeh' H; Salarifar' M & Khodadadi Sangdeh' J. Investigating the role of families of origin in the stability or instability of couples' relationships: a qualitative study. The Women and Families Cultural-Educational, 19(69), 11-46.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

صص: ۴۶-۱۱

شابا چاپی: ۴۹۵۵-۲۶۴۵
الکترونیکی: ۵۲۶۹-۲۶۴۵



بررسی نقش خانواده‌های مبدأ در ثبات یا عدم ثبات روابط زوجین: یک مطالعه کیفی

هانیه تقی‌زاده^۱ | محمدحسین سالاری‌فر^۲ | جواد خدادادی سنگده^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش خانواده‌های مبدأ در ثبات یا عدم ثبات روابط زوجین انجام شد. این پژوهش کیفی و مبتنی بر نظریه داده بنیاد است. جامعه آماری شامل زوجین ساکن در منطقه شمال غربی شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، حجم نمونه با دوازده نفر از زوجین به اشباع نظری رسید. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل شد. مقایسه متوالی مفاهیم استخراج شده در کدگذاری باز، به ۱۳۴ مؤلفه در کدگذاری محوری و ۲۷ مقوله اصلی در کدگذاری گزینشی منتج شد. یافته‌ها نشان داد، الگوی پارادایمی دارای پدیده مرکزی رعایت و عدم رعایت حریم خصوصی و مرزبندی است. شرایط علی، حساسیت به میزان بیان مسائل خصوصی، رعایت مرزبندی و میزان استقلال یافتگی از خانواده را شامل می‌شود و شرایط مداخله‌گر شامل تفاوت، دخالت، عدم حمایت و بی‌احترامی است. با توجه به یافته‌ها می‌توان گفت رعایت حریم خصوصی، توجه به مرزها و استفاده از راهکارهایی مانند سازگاری، عدم مداخله، ارزیابی و حل مشکل توسط خانواده‌های مبدأ، موجب ثبات در روابط زوجین می‌شود. اما عدم توجه به موارد فوق توسط خانواده‌های مبدأ، بی‌ثباتی در روابط زوجین را به دنبال خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: خانواده‌های مبدأ، ثبات روابط، عدم ثبات روابط، زوجین جوان.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

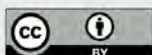
۲- نویسنده مسئول: استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

۳- استادیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی. تهران، ایران.

استناد: تقی‌زاده، هانیه؛ سالاری‌فر، محمدحسین؛ خدادادی سنگده، جواد. بررسی نقش خانواده‌های مبدأ در ثبات یا عدم ثبات روابط زوجین: یک مطالعه کیفی؛ فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ۱۹(۶۹)، ۴۶، ۱۱. DOR: 20.1001.1.26454955.1403.19.69.4.9

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لایسنس آفریننده‌گی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

خانواده یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین محیط‌ها در زندگی هر فرد است. این نظام اجتماعی مبدأ بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط و تعاملات بین فردی است (ستیر^۱، ۱۹۷۰، ترجمه بیرشک، ۱۳۸۸). خانواده مبدأ یک محیط اساسی و ماتریسی برای ایجاد روابط بین فردی است (پودلو^۲، ۲۰۲۱). بنابراین توجه به تجارب اولیه فرد در خانواده اصلی اهمیت زیادی دارد، زیرا درک فرد از این تجارب و شیوه انطباق با آن‌ها ممکن است کیفیت روابط زناشویی و ازدواج او را تحت تأثیر قرار دهد (ویتتون^۳، ۲۰۰۸). خانواده اصلی به تجارب فرد با والدین یا مراقبان او در دوران کودکی اشاره دارد که اساس روابط میان فردی او را در دوران بزرگسالی بنیان می‌نهند (فالکک، واگنر و موسمان^۴، ۲۰۰۸). در همین راستا یکی از نهادهای مهم اجتماعی که به لحاظ اهمیت، نقش و کارکردهای مختلف مورد توجه علمای مذهبی، اخلاقی و صاحب نظران تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی و روانشناسی قرار گرفته است، نهاد خانواده است. نهادی که بر اثر ازدواج یک زن و مرد پدید می‌آید و وجود فرزندان آن را تکمیل می‌کند (همایونی، ۱۳۹۹). پژوهش‌ها نشان می‌دهند در ازدواج اولیه، زوج‌ها به طور پیچیده‌ای با اعضای خانواده خود گره خورده‌اند و تحت تأثیر ارتباطات مهم، تعاملات اجتماعی و فرایندهای اجتماعی شدن در آن شبکه‌های خانوادگی قرار می‌گیرند (سالیوان و داویلا^۵، ۲۰۱۰). با وجود آنکه در حال حاضر اغلب همسران پس از ازدواج، منزلی جدا از دو خانواده را برای سکونت انتخاب می‌کنند، اما پیوندی قوی با خانواده‌های اصلی خود حتی پس از ازدواج دارند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶؛ چراغی، ۱۳۹۳). این پیوند شدید که تا پایان عمر ادامه دارد می‌تواند به دوام زندگی مشترک آن‌ها کمک کند یا تهدیدی جدی برای آن محسوب شود (چراغی، ۱۳۹۳). ثبات ازدواج اساساً استقرار آرامش در زندگی مشترک زوجین است تا جایی که این آرامش رضایت زناشویی را شامل می‌شود؛ به طوری که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس خوشبختی، رضایت از ازدواج و رضایت از همدیگر دارند. در واقع می‌توان گفت ثبات ازدواج مفهوم گسترده‌ای است که به زوج‌هایی اشاره دارد که نه طلاق گرفته و نه به

1- Satir, V.

2- Pudlo, M., K.

3- Whitton, S. W.

4- Falcke, D., Wagner, A., & Mosmann, C. P.

5- Sullivan, K., & Davila, J.

دنبال جدایی از یکدیگر هستند (اوراتینکال و ونستینوگن، ۲۰۰۶). ثبات ازدواج به عنوان یکی از مفاهیم پایه‌ای در زندگی زوجین ایفای نقش می‌کند. در مقابل ثبات ازدواج به عنوان یک متغیر عدم ثبات ازدواج (آشفتگی ازدواج) قرار دارد و زمانی مطرح است که یک عضو از زوج یا هر دو عضو زوج درباره طلاق یا جدایی می‌اندیشند و یا اعمالی را انجام می‌دهند که به پایان رساندن ازدواج گرایش دارد (بوث و ادواردز^۲، ۱۹۸۵؛ هالوگ و ریچتر^۳، ۲۰۱۰). در تعریفی واضح‌تر از بی‌ثباتی ازدواج می‌توان گفت که این اصطلاح برای مشخص کردن گرایش یک زوج به انحلال ازدواج دلالت دارد (موسوی، ۱۳۹۳). عوامل بسیاری در ثبات ازدواج همچون رضایت از زندگی و رضایت زناشویی اثر می‌گذارند. یکی از عوامل مهمی که زندگی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در بسیاری از موارد رابطه آن‌ها را مختل می‌سازد، دخالت دیگران است. دخالت از نظر لغت شناسان به معنای مداخله کردن، داخل شدن در امری یا کار کسی، و میانجی‌گری و وساطت آمده است (آذرنوش، ۱۳۹۱). قسمت عمده‌ای از شکست‌ها و موفقیت‌ها در ازدواج، متأثر از خانواده مبدأ هریک از زوجین است. خانواده‌ها به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم در زندگی زوجین نقش دارند. در این پژوهش قصد ما از بررسی نقش خانواده‌ها در روابط زوجین پرداختن به مواردی از قبیل دخالت‌هایی است که به طور مستقیم زندگی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهند، مانند وساطت در ازدواج، مشورت دادن، نصیحت و تذکر، دآوری در دعاوی زوجین، ازدواج تحمیلی و تجسس در زندگی زن و شوهر است. نظریه‌هایی مانند نظریه ساختاری مینوچین^۴، نظریه سیستمی و نظریه بین نسلی بوئن^۵ به تأثیر و کارکرد خانواده پرداخته‌اند. مینوچین معتقد است هر یک از خرده‌نظام‌های خانواده کارکرد خاص خود را دارد (خرده‌نظام زوجین، والدین و خرده‌نظام فرزندان). مرزها به جداسازی نظام‌ها و خرده‌نظام‌های خانواده کمک می‌کنند و درجه وضوح و نفوذپذیری مرزها بیشتر به کارکردهای خانواده مربوط است تا ترکیب عضویت افراد آن و تفاوت خانواده‌ها در میزان باز بودن نظام آنان است (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۶، ۲۰۱۲، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۹۳). در دیدگاه ساختاری یک زوج موفق مثل هر زیر منظومه سالمی مرزهایی گرداگرد خود دارند که برای تمایز

1- Orathinkal, J., & Vansteenwegen, A.

2- Booth, A., & Edwards, J.

3- Hahlweg, K., & Richter, D.

4- Menuhin, S.

5- Bowen, M.

6- Goldenberg, H., & Goldenberg, I.

آن‌ها از محیط اطراف‌شان تعیین شده و در عین حال از نفوذپذیری کافی برای تبادلات انطباقی با محیط اطراف برخوردار است (گورمن، ۲۰۱۲، ترجمه امانی و همکاران، ۱۳۹۳). نظریه سیستم‌ها بر وابستگی متقابل اعضا خانواده تأکید دارد. سیستم‌ها به گونه‌ای سازمان یافته‌اند که روابط بین عناصر، مرزهایی را پیرامون سیستم و هر یک از زیر سیستم‌های آن به وجود می‌آورند. مقررات روابط، مرزها را تعیین می‌کنند. مرزها ممکن است بسیار نفوذپذیر باشند، به طوری که مقررات روشنی وجود نداشته باشد که تعیین کنند چه کسی با چه کسی و چگونه می‌تواند تعامل کند. هم‌منظور مرزها می‌توانند بسیار انعطاف‌ناپذیر نیز باشند، به طوری که از تعامل‌های کافی بین افراد درسیستم یا بین سیستم‌ها جلوگیری کنند (پروچاسکا و نورکراس^۱، ۲۰۰۷، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۷). نظریه بین نسلی بوئن عنوان می‌کند که افراد زیربنای رابطه بین فردی را در خانواده اصلی‌شان یاد می‌گیرند و مشکلات خانوادگی و زناشویی زوج‌ها ادامه مشکلات رابطه‌ای موجود در خانواده اصلی آنان است. مشکلات ناشی شده از خانواده اصلی مانند تعارضات بین فردی به معنای متفاوت و شدت بیشتر در روابط برون خانوادگی ظهور می‌یابند. باورها، نگرش‌ها، رفتارها، عزت نفس و الگوهای تعاملی افراد حتی اگر از خانواده اصلی خود فاصله داشته باشند؛ تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گیرد. البته این تأثیر در موارد مثبت نیز می‌تواند روی دهد (دیویس و لیندسی^۲، ۲۰۰۴، به نقل از محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین بوئن معتقد بود در بسیاری از خانواده‌های مشکل دار غالباً اعضای خانواده فاقد هویت مستقل و مجزا هستند و بسیاری از مشکلات خانوادگی به خاطر این روی می‌دهند که اعضای خانواده خود را از لحاظ روانشناختی از خانواده پدری مجزا نساخته‌اند (بارکر^۳، ۱۹۸۱، ترجمه دهقانی و دهقانی، ۱۳۹۵). با این حال تحقیقاتی که بررسی می‌کنند آیا پیوندهای خانوادگی اولیه برای رابطه زناشویی مفید یا مضر هستند، یافته‌های متناقضی را نشان داده‌اند (هلمز، کروتر و مک‌هیل، ۲۰۰۳). درباره تأثیر والدین در زندگی زوجین، پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است؛ از جمله پژوهش مورارا و ترلک^۴ (۲۰۱۲) نشان داد که چگونگی تعاملات و تجارب خانواده اصلی بر کیفیت و روابط زندگی زناشویی فرزندان به طور قابل ملاحظه‌ای اثر می‌گذارد. نتایج پژوهش منتظری (۱۴۰۱) نشان داد نحوه همسرگزینی در قبل از ازدواج و آسیب‌های تعاملی در بعد از ازدواج بین زوجین و خانواده‌ها

1- Prochaska, J. O., & Norcross, J. C.

2- Davies, P. T., & Lindsay, L. L.

3- Barker, P.

4- Muraru, A. A., & Turliuc, M. N.

می‌تواند رابطه زناشویی همسران را از سوی خانواده‌ها، تحت تأثیر قرار دهد. پودولو (۲۰۲۱) در پژوهش خود نشان داد بین انسجام، انعطاف‌پذیری، کیفیت ارتباط در خانواده مبدأ و همچنین میزان رضایت فرد از رشد در این خانواده‌ها و راه‌های مقابله با تعارضات در ازدواج‌های خود در بزرگسالی رابطه وجود دارد. کاراداغ و کوچاک^۱ (۲۰۱۷) در پژوهش خود نشان دادند که ارتباط بین زوجین و درون خانواده با سازگاری زناشویی ارتباط دارد. فرح‌بخش (۱۳۹۰) در پژوهش خود نشان داد، ادراک زوجین از خانواده اصلی با تعارض زناشویی در زندگی فعلی آن‌ها رابطه دارد. وایس^۲ (۲۰۱۴) در پژوهش طولی خود نشان داد، سلامت خانواده اصلی در کیفیت و موفقیت زندگی زناشویی فرزندان تأثیری پایدار و همیشگی دارد. فاتحی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود نشان دادند، دخالت نابجای اطرافیان در زندگی زوجین، میزان تفاوت منزلت بین زوجین، رضایت زندگی زناشویی و تصور مثبت از پیامدهای طلاق به شکل مستقیم بر میزان گرایش به طلاق تأثیر گذار است. ماسیور و دیمکپا^۳ (۲۰۱۲) در پژوهش خود نشان دادند به ترتیب اهمیت عوامل اجتماعی، رفتاری، خانوادگی، جنسی، مذهبی و مالی بر ثبات رابطه‌ی زوجی اثر گذار است. با توجه به آنچه بیان شد نحوه عملکرد خانواده مبدأ یکی از عوامل تعیین کننده کیفیت زندگی زناشویی و استحکام آن به حساب می‌آید. در مرور پژوهش‌های انجام شده، مطالعه‌ای باهدف تعیین نقش خانواده‌های مبدأ در ثبات یا عدم ثبات روابط زوجین در یک نمونه ایرانی مشاهده نشد. به همین دلیل تبیین عوامل تأثیرگذار بر آن، در قالب یک مدل از جنبه نظری و کاربردی دارای ضرورت و اهمیت است. با توجه به این نیاز، این پژوهش کیفی باهدف پاسخگویی به این سؤال انجام شد. نقش خانواده‌های مبدأ در ثبات یا عدم ثبات روابط زوجین چیست و چه مدلی را می‌توان بر مبنای نظر زوجین طراحی کرد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کیفی و از نوع نظریه برخاسته از داده‌ها یا نظریه داده بنیاد بر اساس مدل پارادایمی استراوس و کوربین (۱۹۹۰) است. دلیل انتخاب این روش پژوهش، ارائه

1- Karadag, S., & Kochak, A

2- Weiss, J. M.

3- Maciver, J. E., & Dimkpa, D. I.

یک مدل برای نقش خانواده‌های مبدأ در ثبات یا عدم ثبات روابط زوجین در یک نمونه ایرانی است.

جامعه آماری پژوهش، شامل زوجین ۲۵ تا ۴۲ ساله ساکن در منطقه شمال غربی شهر تهران در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ است که حداقل ۳ سال از ازدواج‌شان گذشته بود. ملاک‌های ورود به مطالعه شامل مدرک تحصیلی دیپلم تا کارشناسی ارشد، حداقل سن ۲۵ سال، داشتن حداقل ۳ سال سابقه ازدواج، در قید حیات بودن والدین هریک از زوجین، عدم وجود اختلالات روان‌شناختی و مصرف دارو در آنان بود. با توجه به اصل اشباع نظری در پژوهش کیفی، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۱۲ نفر از زوج‌هایی که ملاک‌های ورود به مطالعه را داشتند، به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. به این صورت که ابتدا برای هر نفر یک پرسشنامه ساختاریافته درباره اطلاعات جمعیت‌شناختی به‌صورت مصاحبه اجرا شد. سپس با توجه به داشتن ملاک‌های ورود به مطالعه، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته برای هریک از شرکت‌کنندگان انجام شد. در پایان مصاحبه از فرد درخواست شد، در صورت امکان زوج دیگری که مشابه آنان هستند و تمایل به همکاری دارند را معرفی نمایند. فرآیند فوق برای هر یک از زوج‌های معرفی شده رعایت شد.

با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته و سؤالات باز پاسخ به بررسی و درک چگونگی نقش خانواده‌های مبدأ در تثبیت یا آشفتگی ازدواج زوجین پرداخته شد. برای اینکه احساسات، تجارب و افکار مصاحبه‌شونده در زمینه‌ی موضوع مورد پژوهش کشف شود، سعی شد سوال‌های کلی مطرح شود تا مصاحبه‌شونده به راحتی افکار خود را ابراز کند. با نظر کارشناسان آگاه به موضوع به تهیه چهارچوب کلی مصاحبه نیمه ساختاریافته اقدام شد. در نهایت تعدادی پرسش بر مبنای مطالعه مقدماتی و مطالعه مبانی نظری و ادبیات پژوهش تنظیم شد. مصاحبه‌ها با طرح پرسش کلی در مورد روابط با خانواده‌ها آغاز می‌شد و براساس پاسخ‌های ارائه شده هدایت شد. از جمله سوال‌های طرح شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: در خانواده مبدأ و خانواده هسته‌ای‌تان حریم خصوصی تا چه حد تعریف شده است و هر عضو خانواده تا چه حد اجازه اظهار نظر دارد؟ چه کسانی حق اظهار و اعمال نظر دارند؟ میزان کنترل زندگی شما توسط والدین‌تان چقدر است؟ میزان اختلافات و تشابهات فرهنگی بین خانواده‌ها چقدر است و چه تأثیری در زندگی مشترک شما دارد؟ از میزان

ارتباط با خانواده همسران و تأثیرش در رابطه مشترک تان راضی هستید؟ فکر می کنید رابطه ای که به این شکل با خانواده خودتان و خانواده همسران دارید چه تأثیری در زندگی مشترک تان دارد؟ زمان هر مصاحبه با توجه به زمان، علاقه و تحمل مشارکت کنندگان بین ۴۰ تا ۷۰ دقیقه در نظر گرفته شد و تا جایی که دیگر به مورد جدیدی اشاره نشد و به حد اشباع رسید، فرآیند مصاحبه ادامه پیدا کرد. روش تحلیل در نظریه داده بنیاد، کدگذاری داده هاست. برای کدگذاری داده ها، روش استراوس و کوربین مورد استفاده قرار گرفت و داده ها به صورت باز، محوری و گزینشی کدگذاری شد. در این پژوهش جهت تصدیق قابلیت اطمینان و کفایت، از روش بررسی همکاران استفاده شد.

یافته های پژوهش

نمونه مورد مطالعه شامل ۱۲ نفر شرکت کننده (۴ مرد و ۸ زن) است. مدرک تحصیلی سه نفر از شرکت کنندگان کارشناسی ارشد، پنج نفر کارشناسی، یک نفر کاردانی و سه نفر دیپلم بود. اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان به طور خلاصه در جدول زیر ارائه می شود.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان

کد	جنسیت	سن	تحصیلات	طول سابقه زندگی مشترک به سال
۱	خانم	۳۹	کارشناس ارشد مشاوره خانواده	۱۹
۲	خانم	۳۲	کارشناس حسابداری	۱۰
۳	خانم	۳۷	کارشناس ادبیات	۱۵
۴	آقا	۲۹	کارشناس حقوق	۵
۵	آقا	۳۵	کاردانی برق	۸
۶	خانم	۲۸	دیپلم تجربی	۱۰
۷	آقا	۳۱	کارشناس ارشد حسابداری	۶
۸	خانم	۲۶	دیپلم انسانی	۴
۹	آقا	۳۹	دیپلم فنی و حرفه ای	۱۵
۱۰	خانم	۴۲	کارشناس ارشد علوم قرآنی	۱۸
۱۱	خانم	۲۶	کارشناس مامائی	۳ سال و ۷ ماه
۱۲	خانم	۳۰	کارشناس معماری	۷

تحلیل داده‌ها به شناسایی ۱۳۴ مؤلفه در کدگذاری محوری و ۲۷ کد گزینشی منجر شد. مراحل کدگذاری و استخراج عناصر اگوی پارادایمی به طور خلاصه در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲. عناصر پارادایم، مقوله‌ها (کدهای گزینشی)، مؤلفه‌ها (کدهای محوری) و کدهای باز حاصل از یافته‌ها

عناصر پارادایم	کدگذاری گزینشی (مقوله‌ها)	کدگذاری محوری (مؤلفه‌ها)	کدگذاری باز (مفاهیم)
شرایط علی	حساسیت به میزان بیان مسائل خصوصی	مطرح نکردن مسائل خصوصی، عدم درخواست و دریافت کمک نابجا از خانواده‌ها در مسائل شخصی، رعایت رازداری	در بیان مسائل به خانواده‌ها زیاده روی نمی‌کنیم، مسائل خصوصی رو با پدر و مادر مطرح نمی‌کنیم، خیلی کم به خانوادم چیزی از زندگی‌مون می‌گم، همسر رازداریش خوبه، افراد خانواده مسائل خونه رو بیرون از چارچوب خانواده برای کسی تعریف نمی‌کنن
	رعایت حد و مرز	رعایت حریم خصوصی و حد و مرز، ایجاد چارچوب و مرزبندی برای زندگی، درخواست رعایت حریم خصوصی از دیگران، فقدان افراط و تفریط و حفظ تعادل	در خانوادمون همه حریم خصوصی رو رعایت می‌کنن، جوری رفتار کردیم که افراد به خودشون اجازه نمیدن وارد حریم خانوادمون بشن، تنظیم یه سری قواعد برای مرزهای زندگی، یه سری چارچوب‌های مشخصی برای زندگی‌مون ایجاد کردیم، از خانواده‌ها خواستیم حریم خصوصی زندگی ما رو رعایت کنن، در ارتباط داشتن با خانواده‌ها نه زیاده روی می‌کنیم و نه سعی می‌کنیم خیلی بی‌تفاوت باشیم
	میزان استقلال یافتگی از	تمایز یافتگی، پختگی، کنترل خود، اتکا و اکتفا به خود	استقلال داشتن و جدا کردن خودمون از خانواده‌ها، شخصیت

عناصر پارادایم	کدگذاری گزینشی (مقوله‌ها)	کدگذاری محوری (مؤلفه‌ها)	کدگذاری باز (مفاهیم)
	خانواده		پخته همسر، مستقل بودن همسر، استقلال دادن خانواده‌ها مومن به فرزندان، عدم وابستگی مالی به خانواده‌ها، خودمومن از پس زندگی مومن برمیایم و این برامون کافیه، کنترل زندگی مومن دست خودمومن هستش
شرایط زمینه‌ای	یادگیری	یادگیری استقلال، یادگیری زبان، یادگیری، یادگیری حفظ حریم خصوصی، یادگیری رازداری، تأثیرپذیری از خانواده در یادگیری، یادگیری مدیریت زندگی، درس گرفتن از اشتباه، کسب شناخت از یکدیگر، یادگیری حل مسئله	درس گرفتن بچه‌ها از اشتباهشون، یادگیری قاطی نکردن خانواده به مسائل زندگی مشترک، سعی کردم زبان آذری یاد بگیرم، رعایت حریم خصوصی رو از خانواده یاد گرفتم، رازداری رو از مادرم یاد گرفتم، به مرور زمان همدیگه رو شناختیم، با گذشت زمان و کسب تجربه حل مسئله رو یاد گرفتیم
	تنظیم زمان	ارتباط با خانواده‌ها به میزان مناسب و در زمان درست، نیاز به زمان برای کنار آمدن با شرایط مختلف زندگی	نیاز به صبر و زمان برای حل مشکل، نیاز به برنامه ریزی برای زفت و آمد با خانواده همسرم داریم تا از این ارتباط افراطی کم بشه
	تعهد	احترام خانواده‌ها به تعهد داشتن زوجین به زندگی	خانواده‌ها مومن به خاطر تعهدی که به زندگی مومن داریم خوشحالن و بهمون احترام می‌ذارن
شرایط مداخله‌گر	تفاوت	تفاوت در آداب و رسوم، تفاوت در باور و ارزش، تفاوت در یادگیری،	وجود یکسری تفاوت‌ها در مسائل فرهنگی، وجود اختلاف نظر در

عناصر پارادایم	کدگذاری گزینشی (مقوله‌ها)	کدگذاری محوری (مؤلفه‌ها)	کدگذاری باز (مفاهیم)
		تفاوت‌هایی در نحوه عمل کردن در شرایط مختلف	تصمیم‌گیری‌ها، در آداب و رسوم با هم تفاوت داریم، زبانمون متفاوت هستش، اختلاف سلیقه داریم، نوع آموزش و تربیتمون در خانواده‌ها متفاوت هستش، نحوه عمل کردنمون با هم فرق داره
	دخالت	فشار بر زندگی زوج توسط خانواده‌ها، اعمال نظر و دخالت خانواده‌ها، جانبداری ناکارآمد خانواده‌ها از فرزندان خود، تأثیر دیگران در زندگی، اجازه دادن به دیگران برای دخالت، کمک و حمایت به شکل دخالت	تأثیر گذاشتن خانواده‌ها اوایل ازدواج، حمایت دانستن دخالت توسط خانواده همسر، دخالت در زندگی همدیگره رو در خانواده همسر وظیفه خودشون می‌دونن، خانواده همسر به صورت مستقیم و غیرمستقیم در زندگیمون دخالت می‌کنن، همسر به خانوادش اجازه دخالت میده، خانواده همسر بیشتر از من کنترل زندگیمون رو در دست دارن، مادر همسر در همه امور زندگیمون اظهار نظر و دخالت می‌کنن
	بی‌توجهی	بی‌توجهی به یکدیگر، ارزش قائل نشدن برای زندگی زوج توسط خانواده همسر، احساس تنهایی در زمان قرار گرفتن در محیط خانواده همسر	بی‌اهمیتی همسر به نظر من به درخواست خانوادش، خانواده همسر به زندگی ما بی‌توجهی می‌کنن، خانواده همسر برای زندگی ما ارزشی قائل نیستن، در جمع خانواده همسر احساس تنهایی می‌کنم

کدگذاری گزینه‌ها (مقوله‌ها)	عناصر پارادایم	کدگذاری محوری (مؤلفه‌ها)	کدگذاری باز (مفاهیم)
عدم حمایت		ادراک دریافت حمایت ضعیف از خانواده همسر، عدم حمایت پدر	خانواده همسر هیچ حمایتی از من نداشتن
عدم صمیمیت		صمیمیت ضعیف با پدر	نه پدر همسر با فرزندان من ارتباط صمیمی دارن و نه فرزندان با پدرشون صمیمی هستن
بی‌احترامی		بی‌احترامی کردن خانواده همسر، حفظ نشدن ارزش و احترام با ارتباط افراطی با خانواده همسر، عدم وجود حق تصمیم‌گیری برای عروس و دامادها در زندگی خود در خانواده همسر	در خانواده همسر عروس و دامادها حق حرف زدن و تصمیم‌گیری ندارن، خانواده همسر به من بی‌احترامی می‌کنن، به خاطر ارتباط افراطی با خانواده همسر ارزش و احترام دوطرف اونطور که باید حفظ نمیشه
همکاری	راهبردها	کمک کردن، همفکری و همکاری با هم، اظهار نظر همه افراد خانواده، تصمیم‌گیری مشترک، همراهی با هم	همفکری و همکاری با خانواده، همه افراد خانواده در مسائل خانوادگی اظهار نظر و مشارکت می‌کنن، کمک افراد خانواده به یکدیگر، تصمیم‌گیری باهم برای مسائل زندگی
سازگاری		هماهنگی، کنار آمدن با یکدیگر، پذیرش، کاهش تفاوت‌ها با گذر زمان، هم‌آمیزی، تفاهم، شباهت‌ها بیشتر از تفاوت‌ها، تأثیر خوب شباهت‌های فرهنگی در زندگی، توافق، نزدیکی به هم با شناخت بیشتر از هم، عقیده مشترک	سازگار کردن خود با خانواده همسر، سازگاری خانواده همسر با من، خودم رو با آداب و رسوم خانواده همسر تطبیق دادم، سازگاری همسر با خانواده‌ام، تطابق و سازگاری با هم، فرهنگمون بیشتر شبیه هم هستش، رفته رفته توافقمون بیشتر شد، خودمون رو با

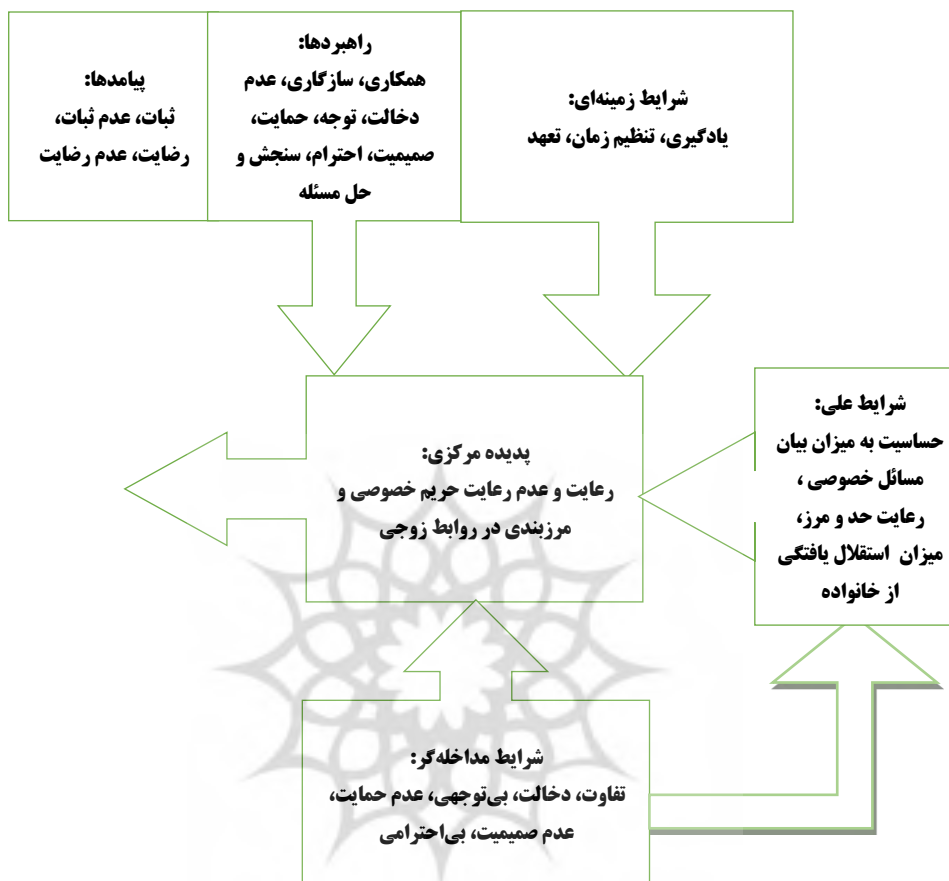
عناصر پارادایم	کدگذاری گزینشی (مقوله‌ها)	کدگذاری محوری (مؤلفه‌ها)	کدگذاری باز (مفاهیم)
			هم و با خانواده‌ها هماهنگ کردیم، با گذر زمان به تفاوت‌های هم عادت کردیم، با گذشت زمان تفاوت‌ها کم شد و زیاد به چشم نمیاد، شباهت‌ها باعث سازگاری و رضایت از زندگی میشه، ارتباط بیشتر با یکدیگر با وجود نقاط مشترک
	عدم دخالت	دخالت نکردن و سرک نکشیدن در زندگی یکدیگر، حذف دخالت دیگران و اجازه ندادن به دیگران برای دخالت، عدم دخالت در زندگی دیگران، عدم دخالت خانواده‌ها در زندگی،	عدم دخالت مستقیم پدر و مادرها، عدم اجازه همسر به دیگران برای دخالت در زندگی مشترک، در خانوادم هیچکس بدون اجازه در زندگی کسی سرک نمی‌کشه، در خانواده همسرم پدر و مادر در زندگی فرزندانمون تجسس نمی‌کنن، خانواده‌ها در زندگیمون دخالت نمی‌کنن
	توجه	اهمیت دادن به یکدیگر، تلاش برای درک کردن یکدیگر، ارزش قائل شدن برای یکدیگر، توجه خانواده به زندگی فرزندان، گوش دادن به یکدیگر، حساسیت نسبت به هم، گذران وقت با هم	وجود توجه بین خانواده همسری، درک همدیگره در خانواده، توجه داشتن خانواده‌ها به زندگی فرزندان، اهمیت دادن افراد خانواده به یکدیگر، توجه خانواده همسر به زندگی فرزندان، گوش دادن به هم، وقت گذاشتن برای هم و خانواده
	حمایت	حمایت در زمان نیاز، حمایت افراد خانواده از یکدیگر، حمایت عاطفی،	حمایت لازم از هم در خانواده همسری، موافقت خانواده‌ها با

عناصر پارادایم	کدگذاری گزینشی (مقوله‌ها)	کدگذاری محوری (مؤلفه‌ها)	کدگذاری باز (مفاهیم)
		حمایت اجتماعی، حمایت مالی، دریافت کمک از خانواده در شرایط مختلف، تلاش‌های خانواده برای خوشبختی فرزندان، کنار هم بودن، حمایت خانواده‌ها از فرزندان	ازدواج، حمایت عاطفی و حمایت اجتماعی خانواده‌ها، پشتیبانان اجتماعی بودن خانواده‌ها، حمایت کردن خانواده از لحاظ مالی، خانواده‌ها از زندگی مشترکمون حمایت می‌کنن، خانواده هر دو مون برای پیشرفت و خوشبختیمون تلاش می‌کنن، خوانواده‌ها همیشه هومونو دارن، هر وقت نیازی داشته باشیم خانواده کمکمون می‌کنن
	صمیمیت	صمیمیت با چارچوب با والدین، صمیمیت چارچوب دار با فرزندان، محیط گرم و صمیمی خانواده، ارتباط محبت‌آمیز با یکدیگر، رفتار درست و محبت‌آمیز با عروس و داماد، بیان مسائل و خواسته‌ها به شکل واضح در خانواده‌ها	صمیمیت بین خانواده همسری برقراره، صمیمیت در خانوادمون وجود داره، رابطه صمیمانه و محبت‌آمیز با خانواده، ارتباط گرم و صمیمی در خانه داریم، با مادرم رابطه صمیمانه دارم، خانواده همسرم رفتار محبت‌آمیز و صمیمیت کنترل شده با عروس و داماد دارند، بیان واضح و صمیمانه خواسته‌ها به یکدیگر
	احترام	قابل احترام و ارزشمند بودن، حفظ احترام در ارتباط با یکدیگر در هر شرایطی، احترام قائل شدن متقابل والدین و فرزندان، ارزش گذاری برای حریم خصوصی یکدیگر	احترام بینمون حفظ میشه در ارتباط با خانواده همسرم، احترام همه اعضای خانواده به همدیگه، مخالفتمون رو هم با حفظ ادب و احترام بیان می‌کنیم، خانواده

عناصر پارادایم	کدگذاری گزینشی (مقوله‌ها)	کدگذاری محوری (مؤلفه‌ها)	کدگذاری باز (مفاهیم)
			همسر بسیار قابل احترام، خانواده همسر ارزش و احترام زیادی برای زندگی مشترکمون قائلن
	سنجش و حل مسئله	سنجش و بررسی مسئله، نوشتن مسائل، نوشتن روش‌های حل مشکل، انجام تحقیقات لازم، تلاش برای پیدا کردن راه حل مسائل، انتخاب بهترین راه حل	انجام تحقیقات لازم قبل از ازدواج توسط خانواده، سنجش همه جوانب در مسائل، شناسایی مشکل، نوشتن مسائل و راه حل‌ها و امکانات روی کاغذ، بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های خانواده‌ها قبل از ازدواج، بررسی راه حل‌ها و انتخاب بهترینش
	ثبات	ارتباط با خانواده‌ها باعث ثبات و پیشرفت، برقراری آرامش در خانه و زندگی	این نوع ارتباط با خانواده‌ها من باعث ثبات هستش، برقراری آرامش در زندگی با توجه به نحوه ارتباط با خانواده‌ها
پیامدها (ثبات در روابط)	رضایت	رضایت از ارتباط با خانواده‌ها، رضایت خانواده‌ها از ارتباط، رضایت از رفتار، رضایت از زندگی، موافقت خانواده‌ها با ازدواج، رضایت از میزان حمایت، رضایت از وضع مالی، رضایت از ازدواج، رضایت از عدم بیان مسائل به خانواده‌ها	رضایت از ارتباط با خانواده همسر، از میزان حمایت خانوادم از زندگیمون راضیم، از وضع مالیمون راضی هستیم و نیازمند خانواده‌ها نیستیم، عدم مخالفت خانواده‌ها با ازدواجمون، از رفتار خانواده‌ها رضایت داریم، خانواده‌ها من از میزان ارتباطشون با ما ابراز رضایت می‌کنن، از زندگی مشترکمون رضایت دارم، از کنار هم بودنمون

عناصر پارادایم	کدگذاری گزینشی (مقوله‌ها)	کدگذاری محوری (مؤلفه‌ها)	کدگذاری باز (مفاهیم)
			راضیم، از عدم بیان مسائل به خانواده‌ها رضایت داریم
	عدم ثبات	آشناختگی در اثر ارتباط با خانواده‌ها، به هم ریختن زندگی، تنش و اختلاف در زندگی	خانواده همسر باعث افزایش تنش و اختلاف تو زندگی‌مون میشه، این نوع ارتباطی که با خانواده‌هامون داریم بیشتر باعث آشناختگی زندگی‌مون میشه، خانواده همسر تأثیر بدی در زندگی‌مون داره
پیامدها (عدم ثبات در روابط)	عدم رضایت	عدم رضایت از مدیریت مشکلات، عدم رضایت خانواده همسر از دیدار کم به علت دوری راه، عدم رضایت از ازدواج، عدم رضایت از میزان حمایت خانواده همسر، عدم رضایت از ارتباط با خانواده‌ها، عدم رضایت خانواده‌ها از میزان ارتباط، مخالفت خانواده با ازدواج	ناراحتی از ارتباط کم با فرزندان به علت دوری راه، از نحوه برخورد با مشکلاتمون و مدیری‌تون راضی نیستم، به قدر کافی از ازدواجمون رضایت ندارم، از عدم حمایت خانواده همسر ناراضیم، از ارتباط افراطی که با خانواده همسر داریم راضی نیستم، پدر همسر هم از ارتباط زیاد و رفت و آمد زیادمون ناراضی هستن، خانوادم قبل ازدواج مخالف ازدواجمون بود.

جدول شماره (۲) نشان می‌دهد، یافته‌های حاصل از کدگذاری باز و محوری و گزینشی در قالب ۲۷ مقوله در پنج محور اصلی (شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و راهبردها) قابل استخراج است. در مرحله کدگذاری گزینشی، باتوجه به مفاهیم، مقوله‌ها و محورهای اصلی، پدیده مرکزی تحت عنوان رعایت و عدم رعایت حریم خصوصی و مرزبندی در روابط، نام‌گذاری شد. باعنایت به پدیده مرکزی و ارتباط مقوله‌ها و محورهای شناسایی شده با آن، یک مدل پارادایمی قابل استخراج است که به‌طور خلاصه در شکل شماره (۱) ارائه می‌شود.



شکل ۱. مدل پارادایمی مربوط به رعایت و عدم رعایت حریم خصوصی و مرزبندی

اکنون با در اختیار داشتن مدل پارادایمی مربوط به رعایت و عدم رعایت حریم خصوصی و مرزبندی که نقش خانواده‌های مبدأ در ثبات یا عدم ثبات روابط زوجین را نشان می‌دهد به توضیح عناصر این مدل می‌پردازیم.

شرایط علی: در پژوهش حاضر شرایط علی شامل حساسیت به میزان بیان مسائل خصوصی، رعایت مرزبندی و میزان استقلال یافتگی از خانواده است.

بیان مسائل خصوصی: این مقوله در بیان مشارکت‌کنندگان شامل عدم رازداری، مطرح کردن مسائل زندگی، مشورت و درد و دل کردن با خانواده است.

آزمودنی شماره ۸: «همسر همه مسائل زندگی من رو برای مادرشون تعریف می کنن و همه چیز رو باهاشون در میون میذارن که این کارشون باعث ناراحتی و بروز اختلاف بینمون میشه».

عدم بیان مسائل خصوصی: این مقوله از تجربه مشارکت کنندگانی به دست آمد که در گفته‌های خود به مطرح نکردن مسائل خصوصی با خانواده، عدم درخواست و عدم دریافت کمک از خانواده‌ها در مسائل شخصی و رازداری اشاره کردند.

آزمودنی شماره ۳: «تقریباً هیچی از مشکلاتمون رو با خانواده‌ها در میون نمی‌ذاریم چون اوایل ازدواجمون یکی دو بار این کار رو کردیم اختلافمون بیشتر شد و پشیمون شدیم».

رعایت حد و مرز: در این مقوله مشارکت کنندگان به مواردی اشاره کردند که شامل رعایت حریم خصوصی و حد و مرز، ایجاد چارچوب و مرزبندی برای زندگی، درخواست رعایت حریم خصوصی از دیگران، عدم افراط و تفریط و حفظ تعادل می‌شود.

آزمودنی شماره ۱۲: «در خانواده هر دومون هر کسی حد و حدود خودش رو نگه می‌داره و می‌دونه که تا کجا اجازه پیشروی داره و کجا باید بایسته که این باعث رضایت هر دو طرف هستش».

عدم رعایت حد و مرز: در این مقوله مشارکت کنندگان به مواردی اشاره کردند که شامل عدم رعایت حریم خصوصی و حد و مرز، در هم بودن مرزها بود یکی از شکایت‌های زوجین عدم رعایت حریم خانواده آن‌ها توسط اعضای خانواده همسر بود.

آزمودنی شماره ۲: «در خانواده همسر هیچکس برای دیگری حریم خصوصی قائل نیست که از علل بزرگ اختلاف در زندگی ما همین مسئله هستش».

استقلال: مؤلفه‌هایی که مشارکت کنندگان از تجارب‌شان بیان کردند شامل مستقل بودن، تمایز یافتگی، پختگی، کنترل خود، اتکا و اکتفا به خود است.

آزمودنی شماره ۱: «همسر از همون اول مستقل بود و در تصمیمات زندگی مشترک تحت تأثیر دیگران قرار نمی‌گرفت و این کارشون باعث رضایت من از زندگی من و دوام رابطه‌مون هستش».

وابستگی: برخی از مؤلفه‌هایی که مشارکت کنندگان طبق تجارب‌شان بیان کردند شامل مواردی از قبیل وابستگی به خانواده، عدم پذیرش استقلال فرزندان و عمل مطابق خواست دیگران بود.

آزمودنی شماره ۲: «اگه برگردم به گذشته و قبل از ازدواج و به وابستگی همسر آگاهی داشته باشم صادقانه بگم نمی‌تونم چشمم رو به روی این وابستگی ببندم و دوباره باهاشون ازدواج کنم».

شرایط زمینه‌ای: شرایط زمینه‌ای پژوهش شامل یادگیری، تنظیم زمان و تعهد است. که در ادامه به توضیح هر یک از این مقوله‌ها می‌پردازیم.

یادگیری: این مقوله به مواردی از قبیل یادگیری استقلال، یادگیری حفظ حریم خصوصی، یادگیری عدم دخالت در زندگی دیگران و تأثیر پذیری از خانواده در یادگیری در بیانات شرکت‌کنندگان اشاره دارد.

آزمودنی شماره ۱۲: «چون من از همون اول از خانواده اصلیم و رابطه پدر و مادرم دیده بودم که مادرم هیچ مشکلی رو با خانوادش در میون نمی‌گذاشت و خودش سعی می‌کرد با پدرم همه چیز رو حل کنه من هم یاد گرفتم که در زندگی شخصی خودم اینجوری باشم و با خانواده مشکلاتمون رو مطرح نمی‌کنم».

تنظیم زمان: در این مقوله مشارکت‌کنندگان طبق تجربیات‌شان به مواردی که شامل ارتباط با خانواده‌ها به میزان مناسب و در زمان درست و نیاز به زمان برای کنار آمدن با شرایط مختلف زندگی بود اشاره کردند.

آزمودنی شماره ۳: «زندگی اوایل ازدواج برای کنار اومدن با شرایط مختلف به صبر و تحمل و زمان نیاز داره مخصوصاً اگه ازدواج با دو فرهنگ متفاوت صورت گرفته باشه».

تعهد: مقوله تعهد طبق بیان و تجربه مشارکت‌کنندگان شامل احترام خانواده‌ها به تعهد داشتن زوجین به زندگی می‌شد.

آزمودنی شماره ۹: «اگه به گذشته برگردم به خاطر تعهد و وفاداری همسرم دوباره باهاش ازدواج می‌کنم. خانواده‌هامونم به این تعهدی که ما به زندگی مشترکمون داریم احترام می‌ذارن و حمایتون می‌کنن».

شرایط مداخله‌گر: در این پژوهش، تفاوت، دخالت، بی‌توجهی، عدم حمایت، عدم صمیمیت و بی‌احترامی به عنوان شرایط مداخله‌گر در نظر گرفته شد.

تفاوت: این مقوله به آن دسته از مشارکت‌کنندگان اشاره دارد که در تجربیات‌شان مسائلی از قبیل تفاوت در آداب و رسوم، تفاوت‌های فرهنگی، تفاوت در نحوه عمل کردن در شرایط مختلف، اختلاف نظر، تفاوت در باور و ارزش و تفاوت در یادگیری را بیان کردند.

آزمودنی شماره ۱۱: «میزان تفاوت فرهنگی بینمون کم نبود چون طرف پدری همسرم کرد هستن یه سری تفاوت‌هایی در آداب و رسوم داشتیم که باعث اختلاف می‌شد».

دخالت: این مقوله به تجربیات مشارکت‌کنندگانی اشاره دارد که به دلیل دخالت خانواده‌ها در زندگی دچار مشکل شده بودند و علت این مشکلات را با عبارت‌هایی مانند کنترل زندگی زوج توسط خانواده‌ها، اعمال نظر و دخالت خانواده‌ها، دخالت مادر، طرفداری خانواده‌ها از فرزندان خود، تأثیر دیگران در زندگی، اجازه دادن به دیگران برای دخالت، کمک و حمایت به شکل دخالت بیان کردند.

آزمودنی شماره ۶: «در خانواده همسرم مادرشون به همه چیز رسیدگی می‌کنن و دوست دارن از همه چیز زندگی بچه‌ها سر در بیان. در مواردی که اصلاً نیازی نیست دخالت می‌کنن که این کارشون باعث بروز اختلاف و آشفتگی در زندگی بچه‌هاشون میشه».

بی‌توجهی: این مقوله به مواردی از قبیل بی‌توجهی به یکدیگر، ارزش قائل نشدن برای زندگی زوج توسط خانواده همسر، احساس تنهایی در زمان قرار گرفتن در محیط خانواده همسر اشاره دارد که مشارکت‌کنندگان در مورد تجربیات‌شان بیان کردند

آزمودنی شماره ۲: «خانواده همسرم اصلاً برای زندگی مشترک ما ارزش قائل نیستن و توجه نمی‌کنن که چقدر رفتارشون به زندگی ما آسیب می‌زنه و باعث به هم ریختنش می‌شه».

عدم حمایت: در این مقوله به مواردی پرداخته شد که مشارکت‌کنندگان با عبارت‌هایی مانند عدم دریافت حمایت از خانواده همسر و عدم حمایت پدر در بیانات‌شان به آن‌ها اشاره کردند.

آزمودنی شماره ۲: «خانواده همسرم فقط موجب ناراحتی و دلخوری و به هم ریختن زندگیمون شدن. حمایتی از طرفشون دریافت نکردیم».

عدم صمیمیت: در این مقوله مشارکت‌کنندگان به تجربیات‌شان با عبارت‌هایی مانند عدم صمیمیت با پدر اشاره کردند.

آزمودنی شماره ۸: «اگه فرصت اصلاح خانواده همسرم رو داشتم در رفتار پدر شوهرم یکم تغییر ایجاد می‌کردم که کمی صمیمیتش رو با خانوادش بیشتر کنه».

بی‌احترامی: این مقوله از تجربه مشارکت‌کنندگانی به دست آمد که در گفته‌های خود به بی‌احترامی کردن خانواده همسر، حفظ نشدن ارزش و احترام با ارتباط افراطی با خانواده همسر، عدم وجود حق تصمیم‌گیری برای عروس و دامادها در زندگی خود در خانواده همسر اشاره کردند. آزمودنی شماره ۲: «خانواده همسر هم به من بی‌احترامی می‌کنن و هم برای زندگی مشترک ما هیچ ارزشی قائل نمیشن و انگار نه انگار که ما یک خانواده تشکیل دادیم که حریم منحصر به خودش رو داره همه چیز رو زیر پا می‌گذارن و زندگی‌مون رو آشفته می‌کنن».

راهبردها: در پژوهش حاضر راهبردها شامل همکاری، سازگاری، عدم دخالت، توجه، حمایت، صمیمیت، احترام و سنجش و حل مسئله است.

همکاری: این مقوله مواردی از قبیل کمک کردن، همفکری و همکاری با هم، اظهار نظر همه افراد خانواده، تصمیم‌گیری مشترک و همراهی با هم را شامل می‌شود.

آزمودنی شماره ۹: «در خانواده همسر پدر و مادر از قدرت تقریباً یکسانی برخوردار هستن و در همه امور زندگی همکاری خوبی دارن و نظر فرزندانشون هم براشون اهمیت داره و از نظر و پیشنهاد اونا هم استفاده می‌کنن مخصوصاً در امور مربوط به زندگی فرزندان که این کارشون به ثبات و دوام زندگی فرزندانشون کمک می‌کنه».

سازگاری: این مقوله مواردی از قبیل هماهنگی، کنار آمدن با یکدیگر، سازگاری، تطابق، پذیرش، کاهش تفاوت‌ها با گذر زمان، عادت کردن، تفاهم، شباهت‌ها بیشتر از تفاوت‌ها، تأثیر خوب شباهت‌های فرهنگی در زندگی، توافق، نزدیکی به هم با شناخت بیشتر از هم و عقیده مشترک را شامل می‌شود.

آزمودنی شماره ۱: «همسر خانواده خوبی داره و از تربیت خوبی هم برخورداره، تطابق و سازگاری خیلی خوبی هم با هم داریم و اگه برگردم عقب دوباره باهاش ازدواج می‌کنم».

عدم دخالت: این مقوله از تجربیات مشارکت‌کنندگان که شامل دخالت نکردن و سرک نکشیدن در زندگی یکدیگر، حذف دخالت دیگران و اجازه ندادن به دیگران برای دخالت، عدم دخالت در زندگی دیگران، عدم دخالت خانواده‌ها در زندگی و عدم تأثیرپذیری از دیگران در زندگی است به دست آمد.

آزمودنی شماره ۱: «از وقتی نحوه مدیریت زندگی رو یاد گرفتم و فهمیدم که نباید خانواده رو قاطی مسائلمون بکنم تنش‌های زندگیمون رفع شد. همسر هم کلا از همون اول اجازه نداده کسی در زندگیمون دخالت کنه که یکی از عوامل مهم ثبات ازدواجمون همین موضوع هستش».

توجه: مقوله توجه از تجربیات مشارکت‌کنندگانی به دست آمد که در گفته‌های خود به اهمیت دادن به یکدیگر، توجه به یکدیگر، درک کردن یکدیگر، ارزش قائل شدن برای یکدیگر، توجه خانواده به زندگی فرزندان، گوش دادن به یکدیگر، حساسیت نسبت به هم و گذران وقت با هم اشاره کردند.

آزمودنی شماره ۵: «در هر دو خانواده همه سعی می‌کنن به هم توجه داشته باشن و اگه کسی نیازی داشت کنارش باشن. و می‌تونم بگم من از ازدواجم خیلی راضیم چون خانواده همسر خیلی خوبن و به زندگی مشترکمون توجه می‌کنن».

حمایت: در این مقوله به مواردی پرداخته شد که مشارکت‌کنندگان با عبارت‌هایی مانند حمایت در زمان نیاز، حمایت افراد خانواده از یکدیگر، حمایت عاطفی، حمایت اجتماعی، حمایت مالی، دریافت کمک از خانواده در شرایط مختلف، تلاش‌های خانواده برای خوشبختی فرزندان، کنار هم بودن، حمایت خانواده‌ها از فرزندان و هواداری از هم در بیان تجربیات‌شان به آن‌ها اشاره کردند.

آزمودنی شماره ۱: «خانواده‌ها هم حمایت عاطفی می‌کنن هم حمایت اجتماعی و به نوعی پشتوانه اجتماعی هستن برامون و حواسشون به زندگیمون هست اینکه حالمون خوب باشه که این موضوع هم در مسیر بیشتر شدن رضایت و دوام ازدواجمون قرار داره».

صمیمیت: این مقوله از مواردی به دست آمد که در تجربیات مشارکت‌کنندگان شامل صمیمیت با والدین، صمیمیت با فرزندان، محیط گرم و صمیمی خانواده، صمیمیت با مادر، ارتباط محبت‌آمیز با یکدیگر، رفتار درست و محبت‌آمیز با عروس و داماد، بیان مسائل و خواسته‌ها به شکل واضح در خانواده‌ها می‌شد.

آزمودنی شماره ۵: «در هر دو خانواده صمیمیت به خوبی بین اعضا برقراره».

احترام: این مقوله از تجربیات مشارکت‌کنندگانی به دست آمد که در گفته‌هایشان به مواردی از قبیل قابل احترام و ارزشمند بودن، حفظ احترام در ارتباط با یکدیگر در هر شرایطی، احترام قائل

شدن والدین برای فرزندان، احترام قائل شدن فرزندان برای خانواده‌ها و قائل شدن ارزش و احترام متقابل برای حریم خصوصی یکدیگر اشاره کردند.

آزمودنی شماره ۵: «خانواده همسر انسان‌های خیلی محترم و فهمیده‌ای هستن و در حالت کلی میشه گفت هم اون‌ها برای ما ارزش و احترام قائلن و هم این نحوه رفتارشون باعث شده که اون‌ها برای ما خیلی ارزشمند و قابل احترام باشن و تأثیر خوبی در حفظ زندگیمون دارن».
سنجش و حل مسئله: این مقوله از مواردی به دست آمد که در بیان مشارکت کنندگان شامل سنجش و بررسی مسئله، نوشتن مسائل، نوشتن روش‌های حل مشکل، انجام تحقیقات لازم، تلاش برای پیدا کردن راه حل مسائل و انتخاب بهترین راه حل می‌شد.

آزمودنی شماره ۳: «می‌شینیم مسئله رو تجزیه و تحلیلش می‌کنیم که چه اتفاقی افتاده، چه کارهایی باعث بدتر شدن وضعیت میشه و چه کارهایی باعث حل شدنش میشه. همه راه حل‌ها رو می‌سنجیم و بهترین و ممکن‌ترین رو انتخاب می‌کنیم».

پدیده مرکزی: پدیده اصلی این پژوهش مقوله "حریم خصوصی و مرزبندی" در نظر گرفته شد. رعایت حریم خصوصی و مرزبندی در ارتباط فرزندان با خانواده‌ها برای حفظ ثبات و اجتناب از آشفتگی زندگی زوجین یک نیاز اساسی است که تأثیرش را به صورت بارز در پژوهش نشان می‌دهد.

آزمودنی ۵: «در هر دو خانواده خیلی خوب به حریم خصوصی هرکسی احترام گذاشته میشه این به معنی این نیست که هیچکس با همدیگه ارتباط نداره یا کسی کاری به کار همدیگه نداره‌ها اتفاقاً صمیمیت هم بین اعضا وجود داره و همه سعی می‌کنن به هم توجه داشته باشن و اگه کسی نیازی داشت کنارش باشن ولی هیچکس به قصد فضولی وارد حریم خصوصی دیگری نمیشه. این موضوع باعث میشه که استحکام و ثبات رابطه من و همسر حفظ بشه و حتی روز به روز بیشتر بشه».
آزمودنی ۲: «در خانواده همسر از کوچک به بزرگ هیچکس برای دیگری حریم خصوصی قائل نیست. مثلاً کسی تو خونه وقتی در اتاق رو بسته یکی می‌خواد وارد اتاق اون بشه بدون در زدن و اجازه گرفتن وارد حریم اون آدم میشن. یا اینکه هم پدر و مادر هم خواهر و برادرها وظیفه خودشون می‌دونن که در زندگی همدیگه دخالت کنن و نظر بدن و تصمیماتشون رو تحت تأثیر قرار بدن. خب به همین دلیل همه مشکلاتی که ما تو زندگی با همسر داریم به عدم رعایت حریم

خصوصی در ارتباط با خانوادشون برمی‌گرده که متأسفانه باعث افزایش تنش و مشکلات بینمون میشه».

پیامدها: پیامدها در این پژوهش شامل ثبات، عدم ثبات، رضایت و عدم رضایت است که به توضیح هر یک از آنها می‌پردازیم.

ثبات: این مقوله از تجربیات زوج‌هایی به دست آمد که به وجود ثبات در زندگی‌شان در ارتباط با خانواده‌ها اشاره کردند.

آزمودنی شماره ۴: «اگه بخوام به صورت کلی راجع به رابطه‌ی بین زندگی خودمون و خانواده‌ها بگم رابطمون بیشتر در جهت حفظ و ثبات زندگیمون هست».

عدم ثبات: این مقوله از مصاحبه با زوج‌هایی به دست آمد که هنگام بیان تجربیات‌شان با عبارت‌هایی مثل آشفتگی در اثر ارتباط با خانواده‌ها و تنش و اختلاف در زندگی به وجود آشفتگی در زندگی‌شان اشاره کردند.

آزمودنی شماره ۸: «رابطه‌ای که با خانواده من داشتیم خوب بود ولی تحت تأثیر رابطمون با خانواده همسرم قرار گرفته و مثل قبل نیست. این نوع رابطه‌ای که الان با خانواده‌ها داریم بیشتر از ثبات باعث آشفتگی و ایجاد دلخوری بوده بینمون».

رضایت: این مقوله از مواردی به دست آمد که در بیان مشارکت‌کنندگان شامل رضایت از ارتباط با خانواده‌ها، رضایت خانواده‌ها از ارتباط، رضایت از رفتار، رضایت از زندگی، موافقت خانواده‌ها با ازدواج، رضایت از میزان حمایت، رضایت از وضع مالی، رضایت از ازدواج و رضایت از عدم بیان مسائل به خانواده‌ها می‌شد.

آزمودنی شماره ۱: «خدا رو شکر من خیلی از ارتباط با خانواده‌ها مون راضیم و رابطه خوبی با هم داریم. همسر هم تا به حال ابراز نارضایتی نکردن ایشون هم با خانواده من و مخصوصاً برادر ام رابطه خیلی خوبی دارن».

عدم رضایت: این مقوله از بیان تجربیات مشارکت‌کنندگان که شامل مواردی از قبیل عدم رضایت از مدیریت مشکلات، عدم رضایت خانواده همسر از دیدار کم به علت دوری راه، عدم رضایت از ازدواج، عدم رضایت از میزان حمایت خانواده همسر، عدم رضایت از ارتباط با خانواده‌ها، عدم رضایت خانواده‌ها از میزان ارتباط، و مخالفت خانواده با ازدواج می‌شد به دست آمد.

آزمودنی شماره ۲: «متأسفانه ارتباطی که با خانواده همسر ما داریم تأثیر به شدت مخربی در زندگی مشترکمون داره و باعث شده نه تنها از ارتباط با اون‌ها راضی نیستم حتی از زندگی مشترکمون هم رضایت کافی ندارم».

بحث و نتیجه‌گیری

در راستای هدف پژوهش و پاسخ به این پرسش که نقش خانواده‌های مبدأ در ثبات یا عدم ثبات روابط زوجین چیست؟ تحلیل نتایج در فرآیند کدگذاری به یک مدل پارادایمی منتهی شد که پدیده اصلی یا مرکزی در نقش خانواده‌های مبدأ در ثبات یا عدم ثبات در روابط زوجین، رعایت و عدم رعایت حریم خصوصی و مرزبندی است. این یافته پژوهش با نظریه ساختاری مینوچین و نظریه سیستمی همخوان است. نظریه ساختاری مینوچین به وجود مرزها در بین زیرنظام‌ها و نفوذپذیری این مرزبندی‌ها اشاره دارد و سه مرز شفاف، غیرمنعطف یا خشک و مرز گنگ و درهم را مشخص کرده و معتقد است، تفاوت خانواده‌ها در میزان باز بودن نظام آنان است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۱۲، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۹۳). پژوهش حاضر نیز اهمیت رعایت مرزبندی درست و شفاف بین زوجین و خانواده‌های مبدأ را نشان داد. همچنین نظریه سیستمی بیان می‌کند سیستم‌ها به گونه‌ای سازمان یافته‌اند که روابط بین عناصر، مرزهایی را پیرامون سیستم و هریک از زیرسیستم‌های آن به وجود می‌آورد و مقررات روابط، مرزها را تعیین کرده و مرزها ممکن است بسیار نفوذپذیر یا انعطاف‌ناپذیر باشند (پروچاسکا و نورکراس، ۲۰۰۷، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۷). بنابراین می‌توان گفت، یافته این پژوهش در مورد اهمیت رعایت و عدم رعایت مرزبندی‌ها و یا در واقع تأثیر نوع مرزبندی‌ها در روابط خانواده‌ها با نظریه سیستمی همخوان است. همچنین با نتایج پژوهش پودولو (۲۰۲۱) که نشان داد بین انسجام، انعطاف‌پذیری، کیفیت ارتباط در خانواده مبدأ و همچنین میزان رضایت فرد از رشد در این خانواده‌ها و راه‌های مقابله با تعارضات در ازدواج‌های خود در بزرگسالی رابطه وجود دارد، همخوانی دارد.

یافته‌ها نشان داد، شرایط علی شامل "حساسیت به میزان بیان مسائل خصوصی، رعایت مرزبندی و میزان استقلال یافتگی از خانواده" را شامل می‌شود. این یافته مبنی بر عدم بیان مسائل خصوصی و توجه به اهمیت و ضرورت مرزها، با نظریه ساختاری مینوچین و نظریه سیستمی همخوانی دارد.

علاوه بر این، مقوله استقلال به عنوان یکی از شرایط علی برای ثبات در روابط زوجین با نظریه بین نسلی بوئن مبنی بر اهمیت تمایز یافتگی از خانواده و دوری از آمیختگی، همسو و همخوان است. مقوله وابستگی نیز به عنوان یکی از شرایط علی درباره عدم ثبات در روابط زوجین با این نظر بوئن که بسیاری از مشکلات خانوادگی به خاطر این روی می دهند که اعضای خانواده خود را از لحاظ روانشناختی از خانواده پدری مجزا نساخته اند (بارکر، ۱۹۸۱، ترجمه دهقانی و دهقانی، ۱۳۹۵)، همسو و همخوان است.

یافته‌های پژوهش نشان داد، بیان مسائل خصوصی زندگی مشترک به خانواده‌ها سبب عدم رعایت حریم خصوصی و مرزبندی در خانواده می شود و بالعکس عدم بیان مسائل زندگی مشترک به خانواده‌ها، رعایت حریم خصوصی و مرزبندی بین خانواده‌ها را به دنبال دارد. به بیان دیگر، رعایت حد و مرزها در روابط زوجین با خانواده‌ها شرایط را برای حفظ حریم خصوصی و مرزبندی در زندگی مشترک فراهم می کند و عدم رعایت حد و مرزها در ارتباطات باعث حفظ نشدن حریم خصوصی و مرزبندی خانواده می شود. داشتن استقلال در زندگی و از خانواده مستقل عمل کردن شرایط را برای رعایت حریم خصوصی و مرزبندی فراهم می کند و وابستگی به خانواده موجب می شود که شرایط برای نقض حریم خصوصی و مرزبندی فراهم شود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های حاجی پهلوان و همکاران (۱۴۰۰)، غفاری و مهینی (۱۳۹۳) و فرح‌بخش (۱۳۹۰) مبنی بر اهمیت مرزبندی‌های درست، تمایز یافتگی و استقلال در زندگی مشترک و مشکلات ناشی از مرزبندی نادرست و وابستگی، همسو و همخوان است.

شرایط زمینه‌ای شامل «یادگیری»، «تنظیم زمان» و «تعهد» است. این مقوله‌ها به صورت غیرمستقیم بر نقش خانواده‌های مبدأ در ثبات یا عدم ثبات روابط زوجین تأثیر دارند. این یافته پژوهش با مبانی نظریه‌های یادگیری مبنی بر تأثیر الگوی رفتاری خانواده، نظریه یادگیری اجتماعی مبنی بر تأثیر مشاهده رفتار دیگران در یادگیری و نظریه بین نسلی بوئن مبنی بر تأثیر خانواده اصلی در باورها، نگرش‌ها، رفتارها، عزت نفس و الگوهای تعاملی، همسو و همخوان است.

نتایج پژوهش نشان داد که یادگیری یکی از شرایط زمینه‌ای است که به شکل غیرمستقیم با تربیت و آموزش فرزندان بر شکل‌گیری رفتار فرزندان تأثیر می گذارد که این تأثیر در رفتار زوجین با یکدیگر و نحوه مدیریت زندگی نمود پیدا می کند. نوع دیگر یادگیری هم شامل تغییر بعضی

رفتارها در ارتباط با همسر و خانواده تازه تشکیل شده برای سازگاری بیشتر می‌شود. هر چقدر محیط پرورش دهنده زوجین و تربیت و آموزش‌شان از کودکی شبیه هم باشد، سازگاری بیشتری در بین همسران و خانواده ایجاد می‌شود که پیامدهای آن رضایت بیشتر از زندگی و در نتیجه ثبات بیشتر ازدواج است. یکی دیگر از شرایط زمینه‌ای در این پژوهش تنظیم زمان است که برای توصیف ارتباط با خانواده‌ها در زمان مناسب، صبوری و انجام کارها در زمان مناسب خود نام‌گذاری شده است. تنظیم زمان زوجین با یکدیگر برای ایجاد سازگاری بین‌شان ضروری است. به طور مثال ممکن است میزان ارتباط با خانواده‌ها برای هر دو زوج مورد قبول نباشد که در این صورت برای اینکه این مورد باعث ایجاد تعارض بین‌شان نشود باید زمان عمل کردن خود را با یکدیگر تنظیم کنند تا سازگار شوند. به بیان دیگر هر چقدر هماهنگی زمان زوج با هم بیشتر باشد، باعث سازگاری زوجین، ثبات زندگی و رضایت بیشتر می‌شود. بالعکس هرچه تفاوت‌ها در زمان عمل بیشتر باشد و یا برای مسائل زندگی‌شان وقت نگذارند یا برای حل مشکلات زندگی صبر نداشته باشند عدم رضایت از زندگی بیشتر می‌شود. همچنین تعهد مقوله دیگری است که جزو شرایط زمینه‌ای به حساب می‌آید. نتایج نشان داد احترام به وجود تعهد، وفاداری و تعلق خاطر در زندگی موجب می‌شود، رضایت از زندگی بیشتر و به دنبال آن ثبات بر زندگی حاکم باشد و بالعکس در صورت عدم احترام به تعهد، عدم وفاداری و عدم تعلق خاطر به زندگی، باعث ایجاد نارضایتی و آشفتگی در زندگی می‌شود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های قزلسفلو و همکاران (۱۳۹۵) و کاظمی و بخشی‌پور (۱۳۹۳) در مورد مقوله تعهد مبنی بر اینکه سلامت خانواده اصلی با تعهد زناشویی رابطه مثبت دارد و همچنین صمیمیت زناشویی با تعهد شخصی و اخلاقی رابطه مثبت دارد، همخوان است. یافته پژوهش در مقوله یادگیری با نتایج پژوهش مورورا و ترلک (۲۰۱۲) مبنی بر تأثیر چگونگی تعاملات و تجارب خانواده اصلی بر کیفیت و روابط زندگی زناشویی فرزندان، همخوان است. علاوه بر این یافته پژوهش با نتایج مطالعه آما تو (۲۰۰۳) که نشان داد کودکان با مشاهده جدایی والدین و طلاق آن‌ها، ممکن است یاد بگیرند که ازدواج موقتی است. چون افرادی که والدین‌شان طلاق گرفته‌اند در مقایسه با افرادی که والدین‌شان طلاق نگرفته‌اند؛ موافق عقیده امکان طولانی مدت بودن ازدواج نیستند، همسو و همخوان است.

شش مقوله «تفاوت»، «دخالت»، «بی توجهی»، «عدم حمایت»، «عدم صمیمیت» و «بی احترامی» به عنوان شرایط مداخله گر تشخیص داده شد. این عوامل با تأثیر بر روند زندگی باعث ایجاد یکسری مسائل در خانواده می شوند و موجب نارضایتی و در صورت تداوم باعث عدم ثبات در روابط زوجین می شوند. مقوله دخالت با نظریه شبکه الیزابت بات (۱۹۵۷) مبنی بر اینکه نظریه شبکه بر روابط زوجین و شبکه خویشاوندی تأکید دارد و بیان می کند که هر چه روابط بین شبکه کمتر و سست تر باشد، زوجین وظایف خود را بهتر انجام می دهند، همسو و همخوانی دارد.

یکی دیگر از مقوله های شرایط مداخله گر، وجود تفاوت در ازدواج است. تفاوت در چند بخش ممکن است وجود داشته باشد. در بعضی از زوجین بین خانواده های دو طرف تفاوت هایی در فرهنگ و آداب و رسوم وجود دارد. در بعضی بین زوجین اختلاف نظر وجود دارد؛ یا در رفتارهای ظاهری تفاوت دارند و در حالت کلی تفاوت هایی در نحوه آموزش و تربیت در هر خانواده وجود دارد که همه این تفاوت ها اگر از طرف زوجین پذیرفته نشوند و برای کنار آمدن با آن خود را سازگار نکنند، زمینه را برای بروز اختلاف و تعارض فراهم می کند و موجب عدم رضایت و آشفتگی در زندگی مشترک می شود. این یافته با نتایج پژوهش موسوی (۱۳۹۳) مبنی بر این که، زوجین با قومیت متفاوت در مقایسه با همسران با قومیت مشابه و نیز زوجین با تفاوت در طبقه اجتماعی- اقتصادی در مقایسه با زوجین مشابه از حیث طبقه اجتماعی- اقتصادی در میانگین بی ثباتی ازدواج تفاوت معناداری دارند، همسو و همخوان است. یکی از مقوله های مهم شرایط مداخله گر، دخالت خانواده ها در زندگی زوجین است. خانواده ها با کنترل زندگی فرزندان، اظهار و اعمال نظر در زندگی زوجین، طرفداری از فرزندان خود، حمایت به شکل دخالت و تأثیرگذاری بر زندگی فرزندان در زندگی آن ها دخالت می کنند. از طرفی زوجین با اجازه دادن به خانواده ها برای دخالت در زندگی، زمینه را برای ایجاد اختلاف و تعارض در زندگی فراهم می کنند که نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد ثمره آن در اکثر مواقع عدم رضایت و آشفتگی است. این یافته با نتایج پژوهش محسن زاده (۱۳۸۹)، حسینی و همکاران (۱۳۹۴) و قاسمی طوسی (۱۳۹۴) که نشان دادند، دخالت والدین و دخالت های نابجای اطرافیان دلایل اصلی شکست در ازدواج است، همخوانی دارد. همچنین این یافته پژوهش با نتایج مطالعه فاتحی دهقانی و نظری (۱۳۹۰) مبنی بر این که دخالت بیجای اطرافیان در زندگی زوجین و تفاوت منزلی زوجین بیشترین تأثیر بر میزان گرایش زوجین به

طلاق را دارد و با نتایج پژوهش بهرامی کاکاوند و همکاران (۱۳۸۶) که نشان دادند، دخالت دیگران در زندگی زوجین و میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر بیشترین تأثیر را بر میزان گرایش به طلاق دارند، همسو همخوان است. بی‌توجهی مقوله دیگری در شرایط مداخله‌گر است. وجود بی‌توجهی در بین افراد خانواده موجب آسیب به رابطه و تنش می‌شود. خانواده‌ها با ارزش قائل نشدن برای زندگی مشترک فرزندان به زندگی زوج بی‌توجهی می‌کنند. یا با در اولویت قرار دادن خواست دیگران به زندگی مشترک خود بی‌توجهی می‌کنند که این بی‌توجهی‌ها موجب عدم رضایت و بی‌ثباتی در روابط زوجین می‌شود. یکی دیگر از مقوله‌ها عدم حمایت است که به عدم حمایت خانواده‌ها از فرزندان اشاره دارد. فقدان حمایت خانواده، فرد را در برابر آسیب‌های روانی و تنش‌ها آسیب‌پذیر می‌کند (ملیسا و همکاران، ۲۰۱۵). با توجه به عدم حمایت خانواده از زندگی فرزندان این موضوع هم در مواردی سبب ایجاد عدم رضایت در بین زوجین و بروز آشفتگی در زندگی مشترک می‌شود. یافته‌های پژوهش در مقوله‌ی عدم حمایت با نتایج پژوهش کیتسون و هولمز (۱۹۹۲) مبنی بر اینکه نبود حمایت اقتصادی باعث فروپاشی خانواده خواهد شد همخوان است. عدم صمیمیت یکی دیگر از مقوله‌ها در شرایط مداخله‌گر است. عدم وجود صمیمیت در خانواده موجب دوری افراد از یکدیگر می‌شود که این مورد هم در نتیجه باعث عدم رضایت و آشفتگی در ازدواج می‌شود. مقوله آخری که در شرایط مداخله‌گر مطرح شده است شامل بی‌احترامی می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ارتباط افراطی با خانواده موجب حفظ نشدن ارزش و احترام می‌شود. یا در مواردی بی‌احترامی کردن خانواده همسر به یکی از زوجین، موجب ایجاد تنش و ناراحتی در بین آنان شده که نتیجه آن عدم رضایت و آشفتگی در روابط خواهد بود. تحقق نقش خانواده‌های مبدأ در ثبات روابط زوجین از طریق هشت راهبرد شامل «همکاری»، «سازگاری»، «عدم دخالت»، «توجه»، «حمایت»، «صمیمیت»، «احترام» و «سنجش و حل مسئله» انجام شده است. که برخی از این راهبردها با نظریه‌های فلک، همسان همسری و نظریه مبادله همخوانی دارد.

متغیرهای موجود در نظریه فلک با تعدادی از این مقوله‌ها همسو است به طور مثال متغیر «عاطفی بودن» در این نظریه به صمیمیت و پذیرش اعضای خانواده نسبت به یکدیگر مربوط می‌شود که نشان می‌دهد، مقوله‌های صمیمیت و سازگاری در این پژوهش با نظریه فلک همخوان است. متغیر «ارتباط»

در بخشی به میزان توجه و رسیدگی اعضای خانواده نسبت به یکدیگر می‌پردازد که نشان می‌دهد، مقوله توجه و حمایت هم در این پژوهش با نظریه فلک همخوان است. نظریه دیگر نظریه همسان همسری است. با توجه به اینکه در نظریه همسان همسری، هیل (۱۹۸۸) معتقد است که افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسان‌شان باشد تا ناهمسان و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نگردد، احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و در نهایت جدایی می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت، مقوله سازگاری با نظریه همسان همسری همخوانی دارد. یکی دیگر از نظریه‌هایی که یافته این پژوهش با آن همخوانی دارد نظریه مبادله است که بیان می‌کند هرگونه ارتباط با دیگران در حکم نوعی مبادله است و رفتار بر حسب پاداش‌هایی که دریافت می‌کند و هزینه‌هایی که به همراه می‌آورد، تغییر می‌کند. این نظریه نشان می‌دهد که رفتارهایی مثل محبت، احترام، انجام کارها و کمک به یکدیگر به شکل متقابل در رابطه انجام می‌گیرد. به همین دلیل مقوله‌های توجه، احترام، همکاری و حمایت در این پژوهش با نظریه مبادله همخوانی دارد.

راهبردها که تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر قرار دارند در واقع اقداماتی هستند که برای کاستن از آسیب‌های این شرایط و کنترل کردن آن‌ها مورد نیاز است. از راهبردها برای پاسخ دادن جهت رفع آسیب‌های شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر استفاده می‌شود. در مواردی که به این پاسخ‌ها توجه شود، پیامدش رضایت و ثبات است ولی در مواردی که به راهبردها بی‌توجهی شود، پیامدش عدم رضایت و آشفتگی خواهد بود.

همکاری یکی از راهبردهاست که در زمینه‌های مختلف مانند اظهار نظر و تصمیم‌گیری، موجب نزدیکی زوجین و افراد خانواده به یکدیگر می‌شود. از طرف دیگر این همکاری موجب کاهش بار خستگی و تنش در زندگی می‌شود. یکی از راهبردها، سازگاری است که با پذیرش تفاوت‌ها و کمبودهای زوجین از طرف یکدیگر، کنار آمدن با خانواده‌های یکدیگر، پذیرش تفاوت‌های فرهنگی و انطباق دادن خود با آداب و رسوم یکدیگر و شبیه هم شدن با گذر زمان، حاصل می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش کاراداغ و کوچاک (۲۰۱۷) که نشان دادند ارتباط بین زوجین و درون خانواده با سازگاری زناشویی ارتباط دارد، همسو و همخوان است. یافته‌های پژوهش نشان داد، مقوله عدم دخالت یکی دیگر از راهبردهای مؤثر است. خانواده‌ها با عدم دخالت در زندگی مشترک و

مسائل خصوصی فرزندان و فرزندان با عدم اجازه به خانواده‌ها برای دخالت در زندگی مشترک‌شان، سبب ایجاد رضایت و حاکم شدن ثبات در زندگی‌شان می‌شوند. مقوله دیگر وجود توجه در زندگی مشترک است. وجود توجه در ارتباط ضرورت دارد، به این صورت که هم نیاز است همسران به یکدیگر توجه کنند و هم نیاز است که توجه متقابل در ارتباط زوجین با خانواده‌ها وجود داشته باشد. نتایج پژوهش نشان داد در خانواده‌هایی که به این موضوع عمل می‌شد، رضایت در ارتباطات و ثبات در ازدواج را به دنبال داشت. یکی دیگر از راهبردها حمایت است. حمایت افراد خانواده از یکدیگر، مخصوصاً حمایت والدین از فرزندان تأثیر زیادی در ایجاد آرامش در زندگی فرزندان دارد. نتایج پژوهش نشان داد، خانواده‌هایی که در زمینه‌های عاطفی، مالی و اجتماعی از فرزندان خود حمایت می‌کنند، باعث ایجاد احساس خوب در مورد داشتن تکیه‌گاه و پشتوانه در زوجین شده و رضایت و ثبات در روابط زوجین را به ارمغان می‌آورد. یافته پژوهش در مقوله حمایت، با نتایج مطالعه حاجی پهلوان و همکاران (۱۴۰۰) مبنی بر اینکه خانواده‌ها با حمایت‌های عاطفی، اجتماعی و مالی خود از زوجین می‌توانند باعث تحکیم زندگی زناشویی زوجین شوند، همسو و همخوان است.

راهبرد دیگر صمیمیت است که با مفاهیمی مانند: صمیمیت بین زوجین، صمیمیت والدین با فرزندان، صمیمیت بین افراد خانواده، بیان واضح خواسته‌ها و دوست داشتن یکدیگر مشخص می‌شود. وجود صمیمیت در ارتباطات باعث نزدیکی افراد می‌شود و احساس رضایت را به دنبال دارد و هر چه رضایت از رابطه بیشتر باشد، تلاش برای حفظ و استحکام خانواده بیشتر است. این یافته با نتایج پژوهش فرح‌بخش (۱۳۹۰) مبنی بر این که صمیمیت و تشویق به استقلال در خانواده اصلی با رضایت زناشویی زنان رابطه مثبت و معناداری دارد، همسو و همخوان است. رعایت احترام، یک راهبرد است. با رعایت احترام متقابل در هر شرایطی ارتباط درست و مناسب بین افراد برقرار می‌شود. رعایت حد و مرز باعث رعایت احترام می‌شود و بالعکس رعایت احترام نیز باعث رعایت حد و مرزها می‌شود. یافته پژوهش نشان داد، رعایت احترام باعث ایجاد احساس رضایت و ثبات و استحکام ازدواج می‌شود. یافته پژوهش در مقوله احترام با نتایج مطالعه دانش و حیدریان (۱۳۸۵) که نشان دادند، احترام با علاقه متقابل بین همسران همبستگی مثبت و معناداری دارد و همسرانی که احترام بیشتری برای یکدیگر قائلند، رضایت زناشویی بیشتری دارند، همسو و همخوان است. آخرین راهبرد ذکر شده در این پژوهش سنجش و حل مسئله است. یعنی زوجین و خانواده آنان با انجام

تحقیقات لازم قبل از ازدواج، سنجش وضعیت موجود و مسئله مطرح شده توسط زوجین، در نظر گرفتن راهبردهای موجود برای مقابله با مشکل و انتخاب بهترین راهبرد، به پیشگیری از تنش، رفع تنش بوجود آمده و استحکام خانواده کمک می‌نمایند.

باتوجه به یافته‌های پژوهش که با مبانی نظری موجود همخوانی دارد، می‌توان گفت، مرزبندی بین خانواده‌ها و احترام به استقلال زوجین توسط خانواده‌های مبدأ، یکی از عوامل اصلی و ضروری در ثبات و تداوم ازدواج است و مبانی نظری به نقش بی‌بدیل آن اشاره دارند. یافته‌های این پژوهش نشان داد، آن به عنوان پدیده مرکزی و یکی از عوامل اصلی و تأثیرگذار در ثبات روابط زوجین و رضایت آنان از زندگی مشترک است. ولی عدم توجه به مرزبندی بین خانواده‌ها و عدم احترام به استقلال زوجین، باعث شکل‌گیری مرزهای باز و تقویت وابستگی آنان می‌شود که نتیجه آن، عدم ثبات در روابط زوجین و عدم رضایت از زندگی زناشویی است. علاوه بر این، کنترل شرایط مداخله‌گر، توجه ویژه به عوامل علی برای ثبات در روابط زوجین و استفاده از راهبردهای مؤثر، زمینه را برای پیشگیری از آسیب‌ها و نیز شرایط لازم را برای کاهش و رفع تنش‌های احتمالی بین زوجین فراهم می‌نماید. به‌طور حتم چنانچه عوامل علی اثرگذار مثبت در روابط زوجین به خوبی شناسایی گردد و عوامل زمینه‌ساز تقویت و شرایط مداخله‌گر کنترل و باتوجه به موقعیت، راهبردهای مؤثر و کارآمد انتخاب شود. مرزها بین خانواده‌ها به نحو مطلوب و منعطف شکل گرفته و ثبات در روابط زوجین را به دنبال خواهد داشت. ولی در صورتی که در هر یک از مراحل فوق، خانواده‌های مبدأ عملکرد خوبی نداشته باشند، به عدم ثبات در روابط زوجین و عدم رضایت آنان منجر خواهد شد.

محدودیت‌ها

این پژوهش با روش کیفی انجام شده است، در نتیجه محدودیت‌های روش کیفی از جمله غیرممکن بودن حذف سوگیری مشاهده‌گر، عدم کنترل اعتبار نتیجه‌گیری محقق و عدم امکان تعمیم‌پذیری نتایج باید با احتیاط در نظر گرفته شود.

پیشنهادات پژوهشی و کاربردی

پیشنهادات پژوهشی

محقق در این پژوهش با یکی از زوجین یک خانواده مصاحبه کرده است، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی مصاحبه با هر دو زوج مد نظر قرار گیرد. پیشنهاد می‌شود روابط به‌دست آمده بین متغیرها با استفاده از روش‌های کمی مورد ارزیابی قرار گیرد.

پیشنهادات کاربردی

یافته‌های این پژوهش دربرگیرنده اشاره‌های کاربردی برای مشاوران و متخصصان خانواده است. شناسایی شرایط علی و زمینه‌ساز و مداخله‌گر به دنبال نقش خانواده‌های مبدأ در ثبات یا عدم ثبات روابط زوجین و همچنین راهبردهای مقابله با آن و پیامدها، راهنمای مناسبی برای کارکردن با خانواده‌ها، والدین و زوجین محسوب می‌شود. کمک به متخصصان خانواده جهت ریشه‌یابی، درمان و پیشگیری از بروز عوامل آشفتگی ازدواج زوجین و استفاده از عوامل ثبات ازدواج زوجین در ارتباط با خانواده‌ها از دستاوردهای مفید این پژوهش به حساب می‌آید. لذا پیشنهاد می‌شود از یافته‌های پژوهش برای آموزش‌های قبل از ازدواج هم برای زوجین و هم برای والدین جهت داشتن ازدواج و ارتباط موفق استفاده شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۳). فرهنگ معاصر عربی - انگلیسی هانس ور. تهران: نشر نی.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). جامعه شناسی خانواده ایرانی. تهران: انتشارات سمت.
- استراوس، اسلم آل و کوربین، جولیت ام (۱۹۹۰). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه: محمدی، بیوک (۱۳۹۳). تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بات، الیزابت (۱۹۵۷). نقش‌های زناشویی و شبکه‌های اجتماعی، ترجمه: پویان، حسن (۱۳۸۳). تهران: انتشارات چاپخش.
- بارکر، فیلیپ (۱۹۸۱). خانواده‌درمانی پایه، ترجمه: دهقانی، محسن و دهقانی، زهره (۱۳۹۵). تهران: انتشارات رشد.
- بهرامی کاکاوند، سیاوش؛ ریاحی، محمداسماعیل و علیوردی‌نیا، اکبر (۱۳۸۶). تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه). پژوهش زنان، شماره ۳، (۵)، ۱۴۰-۱۰۹.
- <https://sid.ir/paper/55335/fa>
- پروچاسکا، جیمزاً و نورکراس، جان سی (۲۰۰۷). نظریه‌های روان‌درمانی، ترجمه: سید محمدی، یحیی (۱۳۹۷). تهران: نشر روان.
- چراغی، مونا؛ مظاهری، محمدعلی؛ موتابی، فرشته؛ پناغی، لیلی و صادقی، منصوره سادات (۱۳۹۳). سبک‌های ارتباطی با خانواده همسر در زوجین ایرانی. کنگره ملی آسیب شناسی خانواده، شماره ۶، (۰).
- <https://sid.ir/paper/878578/fa>
- حاجی پهلوان، گوهر؛ کریمی‌نیا، محمدمهدی و انصاری مقدم، مجتبی (۱۴۰۰). افزایش و کاهش طلاق با توجه به نقش خانواده همسر در زندگی خصوصی. پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی و علوم تربیتی و آموزش و پرورش، شماره ۳۶، (۴)، ۹۲-۷۷.
- <https://ensani.ir/fa/article/download/461754>
- حسینی، فاطمه؛ رضایپور، محمد و عصمت ساعتلو، مرضیه (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر افزایش میزان طلاق زوج‌های متارکه کرده شهرستان سرپل ذهاب استان کرمانشاه. فصلنامه مددکاری اجتماعی، شماره ۱۲، (۴)، ۳۳-۴۱.
- <http://socialworkmag.ir/article-1-50-fa.pdf>
- دانش، عصمت و حیدریان، مریم (۱۳۸۵). رابطه علاقه و احترام متقابل با رضایت زناشویی همسران در شهرستان قم. نشریه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، شماره ۱۸، (۵)، ۷۶-۵۹.
- <https://sid.ir/paper/70074/fa>
- ستیر، ویرجینیا (۱۹۷۰). آدم سازی در روان‌شناسی خانواده، ترجمه: بیرشک، بهروز (۱۳۸۸). تهران: انتشارات رشد.

غفاری، مظفر و مهینی، شهرام (۱۳۹۳). بررسی رابطه رضامندی از روابط و تمایز یافتگی با عملکرد خانواده در دانشجویان متأهل. فصلنامه شخصیت و تفاوت‌های فردی، شماره ۴، (۳)، ۵۷-۳۹.

<https://www.magiran.com/paper/1328848>

فاتحی دهاقانی، ابوالقاسم و نظری، علی محمد (۱۳۹۰). تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان. مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۵، (۲)، ۵۴-۱۳.

<https://sid.ir/paper/203285/fa>

فرح بخش، کیومرث (۱۳۹۰). همبستگی بین ویژگی‌های ادراک شده خانواده اصلی و فعلی و رابطه آن با تعارض زناشویی. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، شماره ۶، (۲)، ۶۰-۳۵.

<https://doi.org/10.22054/qccpc.2011.5922>

قاسمی طوسی، محمد اسماعیل (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر فروپاشی نظام خانواده و راه‌های پیشگیری و درمان آن از منظر قرآن و روایات، به راهنمایی: محمد فاکر میبیدی، دانشگاه معارف اسلامی قم، پایان نامه دکتری مدرسی معارف اسلامی.

<https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://noordoc.ir/thesis/123414&ved=2ahUKewij6-WGn8KDAxXn8AIHHViDCvUQFnoECA4QAQ&usg=AOvVawo7EQTZOM02CrR1WhVKXysP>

قرلسفلو، مهدی؛ جزایری، رضوان‌السادات؛ بهرامی، فاطمه و رحمت‌الله، محمدی (۱۳۹۵). رابطه سلامت خانواده اصلی و شفقت خود با تعهد زناشویی. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، شماره ۱۳۹، (۲۶)، ۱۴۸-۱۳۷.

<http://jmums.mazums.ac.ir/article-1-8163-fa.html>

کاظمی، سیده فاطمه و بخشی پور، باب‌الله (۱۳۹۳). بررسی رابطه میزان صمیمیت زوجین با ابعاد تعهد زناشویی. همایش کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده (و جشنواره ملی خانواده پژوهی)، شماره ۶، (۲۳).

<https://sid.ir/paper/880114/fa>

گلدنبرگ، هربرت و گلدنبرگ، آیرین (۲۰۱۲). خانواده‌درمانی، ترجمه: فیروزبخت، مهرداد (۱۳۹۳). تهران: نشر رسا.

گورمن، آلن. اس (۲۰۱۲). راهنمای بالینی زوج‌درمانی، ترجمه: امانی، رزیتا؛ مجذوبی، محمدرضا و سپهری‌فر، صالح. (۱۳۹۳). همدان: مرکز نشر دانشگاه بوعلی سینا.

محسن‌زاده، فرشاد (۱۳۸۹). بررسی عوامل شکست ازدواج‌های سنتی و غیرسنتی در بافت فرهنگی - اجتماعی، دانشگاه تربیت معلم تهران، پایان نامه دکتری مشاوره.

محسن‌زاده، فرشاد؛ نظری، علی محمد و عارفی، مختار (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل ناراضی‌ت زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۳، (۱۴)، ۴۲-۷.

<https://www.magiran.com/paper/991975>

منتظری، رویا (۱۴۰۱). نقش خانواده‌های زوجین در سازگاری، ثبات و رضایت زناشویی همسران. نشریه رویش

روانشناسی، شماره ۷۰، (۱۱)، ۲۱۰-۱۹۹. <http://frooyesh.ir/article-1-3296-fa.pdf>

موسوی، فاطمه (۱۳۹۳). نقش متغیرهای زمینه‌ای در تهدید ثبات ازدواج زنان و مردان متأهل شهر قزوین، فصلنامه

فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، شماره ۲۹، (۹)، ۱۲۹-۱۱۳. [https://journals.ihu.ac.ir/article-](https://journals.ihu.ac.ir/article-201653-82ff324b51fbda29f6aec120bfa813d7.pdf)

201653-82ff324b51fbda29f6aec120bfa813d7.pdf

همایونی، زهرا (۱۳۹۹). ازدواج و خانواده، کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی

و سبک زندگی، شماره ۶، (۰). <https://sid.ir/paper/900319/fa>

Amato, P. R., Johnson, D. R., Booth, A., & Rogers, S. J. (2003). Continuity and change in marital quality between 1980 and 2000. *Journal of marriage and family*, 65(1), 1-22. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2003.00001.x>

Booth, A., & Edwards, J. (1985). Age at marriage and marital instability. *Journal of Marriage and Family*, 47, 67-75. <https://doi.org/10.2307/352069>

Falcke, D., Wagner, A., & Mosmann, C. P. (2008). The relationship between family of origin and marital adjustment for couple in Brazil. *Journal of Family Psychotherapy*, 19(2), 170-186. <https://doi.org/10.1080/08975350801905020>

Hahlweg, K., & Richter, D. (2010). Prevention of marital instability and distress. Results of an 11-year longitudinal follow-up study. *Behavior Research and Therapy*, 48(5), 377-383. <https://doi.org/10.1016/j.brat.2009.12.010>

Helms, H. M., crouter, A. C., & McHale, S. M. (2003). Marital quality and Spouses' marriage work with close friends and each other. *Journal of Marriage and family*, 65(4), 963-977. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2003.00963.x>

Hill, M. (1988). Marital stability and spouses shared time: A Multidisciplinary Hypothesis, *Journal of family issues*, 4(9), 427-451. <https://doi.org/10.1177/019251388009004001>

Karadag, S., & Kochak, A. (2017). The role of inter family communication in marital adjustment for of case of Konya. *Journal of Human Sciences*, 14(2), 1093-1104. <https://www.j-humansciences.com/ojs/index.php/IJHS/article/view/4072>

Kitson, G. C., & Holmes, W. M. (1992). Portrait of divorce: Adjustment to marital breakdown. *Journal of marriage and family*, 55(2), 515-516. <https://doi.org/10.2307/352826>

Maciver, J. E., & Dimkpa, D. I. (2012). Factors Influencing Marital Stability. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 3(1), 437-442. <https://www.richtmann.org/journal/index.php/mjss/article/view/10977>

Melissa, H., Bellin, P., Joan, K., Mary, E. B., Mona, T., Laurie, C., & Arlene, M. (2015). Stress and quality of life in urban caregivers of children with poorly controlled asthma: a longitudinal analysis. *Journal of Pediatric Health Care*, 29(6), 536-546. <https://doi.org/10.1016/j.pedhc.2015.4.018>

Muraru, A. A., & Turliuc, M. N. (2012). Family-of-origin, romantic attachment, and marital adjustment: A path analysis model. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 33, 90-94. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.01.089>

Orathinkal, J., & Vansteenwegen, A. (2006). The Effect of for givenness on marital satisfaction in relation to marital stability. *Contemporary family therapy*, 28(2), 251-260. <https://doi.org/10.1007/s10591-006-9006-y>

Pudlo, M., K. (2021). Family-of-origin ties and relationships and how they affect dealing with one's own marital conflicts. *Kwartalnik Naukowy Fides ET Ratio*, 46(2), 173-204. <https://doi.org/10.34766/fetr.v46i2.829>

- Sullivan, K., & Davila, J. (2010). *Support Processes in Intimate Relationships*. New York: Oxford University Press.
- Weiss, J. M. (2014). Marital Preparation, Experiences, and Personal Qualities in a Qualitative Study of Individuals in Great Marriages. <https://digitalcommons.usu.edu/etd/2120>
- Whitton, S. W., Waldinger, R. j., Schulz, M. S., Allen, J. P., Crowell, J. A., & Hauser, S. T. (2008). Prospective associations from family-of-origin interactions to adult marital interactions and relationship adjustment. *Journal of family psychology*, 22(2), 274-286. <https://doi.org/10.1037/0893-3200.22.2.274>

